



# پافشاری بر

# آزادی مطبوعات

سنفورد ج. اونگار

ترجمه: وحید امامی

● وسایل ارتباطی آزاد و قوی بی آنکه به هیچ وجه نظم عمومی را مختل کنند، با تشویق گفت و شنود و حل و فصل مسائل مورد اختلاف پیش از رسیدن به نقطه غیر قابل کنترل یا انفجار آمیز - سازش و تفاهم را امکان پذیر می کنند.

عمل کند و در صورت تمایل به حفظ ثبات سیاسی، مسائلی را که احتیاج به راه حل فوری دارند، تشخیص دهد. وسایل ارتباطی آزاد و قوی بی آنکه به هیچ وجه نظم عمومی را مختل کنند، با تشویق گفت و شنود و حل و فصل مسائل مورد اختلاف - پیش از رسیدن به نقطه غیر قابل کنترل یا انفجار آمیز - سازش و تفاهم را امکان پذیر می کنند.

شاید در جهان کنونی هیچ رهبری به اندازه میخائیل گورباچف متوجه لزوم آزادی مطبوعات نشده باشد. آزادی بیشتر مطبوعات یکی از عمده ترین نکته های سیاست «گلاسنوست» (فضای باز) و «پرسرویکا» (بازسازی) به شمار می رود. شاید به خاطر اینکه وسایل ارتباطی در افشای فساد در نظام شوروی نقش مؤثری داشته است و نتیجه این امر، ایجاد تغییری شتابان در نظام بوده است. اکنون کمیته ای از پارلمان شوروی لایحه ای را تهیه کرده که سانسور در وسایل ارتباط جمعی را ممنوع می کند. با اینهمه ظاهراً هنوز گورباچف در باره آزادی مطبوعات مردد و مشکوک است.

اگر مطبوعات در چین مجاز می بودند خلاقهای مالی را که ملازم توسعه اقتصادی آن کشور بود، برملا کنند یا شاید حتی نظر مردم را در آن موارد جويا شوند و عکس العمل سیاسی آنها را مورد بحث قرار دهند، احتمالاً قادر

سنفورد ج. اونگار رئیس «دانشکده ارتباطات» در «امریکن یونیورسیتی» و نویسنده کتاب «آفریقا: مردم و سیاست» در قاره ای که بتدریج اهمیت زمی یابد، (چاپ سوم - ۱۹۸۹) می باشد. این مقاله از فصلی از کتاب «دموکراسی و وسایل ارتباط جمعی» چاپ «جویدیت اشتنبرگ» که بزودی در سلسله انتشارات «کمبریج یونیورسیتی پرس» منتشر خواهد شد، اقتباس شده است.

در ایالات متحده آمریکا همواره در مورد ایجاد صلح، ثبات و عدالت برای مردم این کشور اعتقاد راسخی به ارتباطات علنی و آزاد وجود داشته است. جالب اینکه حکومت امریکا در شناخت نقش اساسی مطبوعات آزاد جهت ایجاد و حفظ دموکراسی در سایر نقاط جهان اغلب عاجز بوده است. (بزرگترین دستاورد غرب از رنسانس تاکنون آزادی بیان و مبادله آزاد افکار و اندیشه ها بوده است ولی غرب در ربودن این دستاورد از جهان سوم و عقب نگه داشتن آن همواره بیشترین کوشش را داشته و به انواع ترفندها و سوء استفاده ها دست زده است. م. این نقش از مرزهای ملی، سلیقه های ایدئولوژیکی و تغییر و تحولات کوتاه مدت در جهان سیاسی فرا می گذرد. در واقع انصاف این است که گفته شود اهداف اصلی سیاست خارجی آمریکا در پیشبرد آزادی، رواج سرمایه داری به طریقه بازار آزاد و تأمین منافع سیاسی و استراتژیکی آن در سراسر کره زمین بدون حمایت از آزادی وسایل ارتباطی در سراسر جهان نمی تواند کاملاً تحقق یابد. مطبوعات آزاد در هر کشوری، چه در حال توسعه و چه پیشرفته مورد لزوم است. در هر کشوری که نهادهای سیاسی یا گروههای مخالف هنوز نمی توانند فعالیت کنند یا از فعالیت آزادانه بازمانده اند، مطبوعات می تواند گزارشگر یا منعکس کننده نارضایتی عمومی از سیاستهای ملی یا دولت وقت باشد. بنابراین مطبوعات می تواند به عنوان زنگ خطر مهمی

می شدند به موقع به رهبران آن کشور کمک کنند تا جلو فاجعه ماه ژوئن را بگیرند. تصادف نیست که یکی از مبرمترین و ابتدایی ترین خواسته های تظاهر کنندگان انتشار علنی تر شرافتمندانه تر بوده است.

هر چه مطبوعات کشوری آزادتر باشد، مردم آن کشور باسوادتر می باشند.

یکی از قدیمترین مسائل آفریقا مخالفت اغا رهبران آن بدون اجازه تشکیل جنبشهای مخالف به طور قانونی یا انجام هرگونه روند قانونی برای تغییر حکومت و جانشینی بوده است. این امر به بی ثباتی تعداد معتناهی از کشورهای آفریقایی انجامیده است. تاوقتی که رقاب سیاسی و فرصت مشارکت در امور عامه تا حد محدود شده، مردم عادی نیز به ناچار به حکومتهای خود بی اعتماد می شوند. کساد داشتن مطبوعات وابسته به حزب حاکم و راد تلویزیون تحت کنترل دولت، در کنار وسایل ارتباطی چاپی آزاد، از هنگام کسب استقلال خویش از ثبات سیاسی نسبی بهره مند بود است و یکی از نیرومندترین اقتصادها در آفریقا را به خود اختصاص داده است.

یکی از مواردی که در صورت عدم وجود آر رهبران وجود مطبوعات را تحمل نمی کنند، مایل به اعطای نقش وسیعتری به مطبوعات، علنیت هستند، تکنولوژی مدرن است که دایر ساختن و ادامه کار وسایل ارتباط جمعی مسته را به مراتب آسانتر کرده است. دولتهایی که مطبوعات مخالف و مشروع را نمی پذیرند کنترل مطبوعات مخالف را روز به روز مشکل خواهند یافت. این مسئله بخوبی در پاناما مشاهده شد. هنگامی که رهبر نظامی این کشور، ژنرال مانوئل آنتونیونوریگا، تلاش کرد که قدرت را به طور انحصاری به خود اختصاص دهد - بجز مدت کوتاهی در فوریه سال ۱۹۸۸ وسایل ارتباط خبری مستقل آن کشور تعطیل شدند. ولی میگل آنتونیونوریگا یکی از تبعیدیان پانامایی که در «دیویدسون کالج» کارولینا شمالی به تدریس مشغول است همچنان ب انتشار روزنامه زیرزمینی خود به نام «آلترناتا» ادامه داد. او این نشریه را از طریق خطوط تلفنی به «مرکز خبری پاناما» که در حوضه واشنگتن قرار داشت، انتقال می داد. این روزنامه سپس به بانکها، دفترهای حقوقی آزادسپاهای مسافرتی در پاناما فرستاده می شد در عرض چند ساعت نزدیک به سی هزار فتوکپی

بن روزنامه در خیابانهای پاناما موجود بود. ممکن است عده‌ای بگویند که آزادی و لغت در رژیمهای خود کامه تنها می‌تواند به مردم عادی بوده و به زبان رهبران آنها م شود. همچنین اینکه اگر غیر ممکن نباشد، کل خواهد بود که بیشتر حکام خود کامه را عد کرد که به اعطای آن نوع آزادی مبادرت د که به زبان حکومت ایشان خواهد بود. اما اقع چون تغییرات اجتماعی و اقتصادی بیبا در کلیه کشورها بسیار سریع صورت گیرد، آنهایی که کشور را کنترل می‌کنند به اندازه مردم تحت کنترل خود احتیاج به ستن حقایق دارند. به این جهت آنها ممکن ن ارزش مطبوعات آزاد را به عنوان یک منبع لاعانی بهتر از پلیس مخفی یا سازمانهای ر اطلاعاتی تشخیص دهند. کشورهای جی نیز که در سریر وقایع داخلی کشور دیگر د لایل سیاسی، اقتصادی یا انسانی منافی ند، به اطلاعات موثق نیاز دارند تسامبادا کام غیرمسئول کشورهای دست‌نشانده آنها ن را به اتخاذ خط‌مشی‌های نادرست و

شاه باوجود کشاکش فزاینده در ایران و انجام پارهای اصلاحات متعاقب آن، به مطبوعات تحت کنترل دولت اجازه نداد به فعالیت آزادانه‌تری بپردازند. بنابراین او همچنان از عقاید انتقادآمیز در کشورش مصون مانده بود. سرانجام انتشار مقالهای استهزاءآمیز در مورد (امام) خمینی در مطبوعات رسمی موج تظاهرات توده مردم را به راه انداخته، موجب سرنگونی شاه شد، زیرا که دستکاری در مطبوعات او را در پيله جهالت و ناآگاهی محض نگاهداشته بود.

به هر حال، آزادی مطبوعات کمکی در راه تغییر دمکراتیک اوضاع به شمار می‌آید. به جز چند استثنا، هر قدر مطبوعات کشوری آزادانه‌تر باشند، به همان اندازه نیز آن کشور باثبات‌تر است. از این رو معمولاً در دیکتاتوریهایی که همه نوع اشکال بیان در آن سرکوب می‌شود، کوششهای حکومت برای احیای اقتصادی کشور به سختی ناکام می‌ماند. از: فارین پالیسی

سیاستهای غلط و ادار سازند. کمتر کشوری وجود دارد که در آنها مثل ایران نتیجه تبدیل یک جانبه و انفجارآمیز مطبوعات از سخنگو بودن برای رهبران به سخنگوی مردم بودن را شاهد باشیم. از زمانی که «سیا» شاه را در سال ۱۹۵۵ برمسند تخت طاووس ابقا کرد، او مسیر مدرنیزاسیون و غرب‌گرایی سریع را برای مردم ایران که در زمینه عقاید و شیوه زندگی خود هنوز بسیار سنت‌گرا به شمار می‌آمدند، در پیش گرفت. به لحاظ بالا رفتن قیمت نفت و افزایش رفاه حاصل از آن، مردم از گوشه‌کنار کشور به سوی شهرها به حرکت درآمدند. تاثیر تکنولوژی جدید باعث گشایش و فشار درونی شدیدی در جامعه ایران شد و در نتیجه اکثریت مردم به طور فزاینده‌ای از طبقه نخبان و برگزیدگان کشور روگردان شدند. با این حال شخص هرگز از مطبوعات آن زمان ایران متوجه این نکته نمی‌شد. به این جهت، کسی نمی‌توانست در این مورد اطلاع موثقی از مطبوعات ایران که به کلی تحت کنترل شاه و اطرافیان او بود، به دست آورد.

## حاکمیت دیکتاتورها بر «فلیت استریت»

کارل وست

ترجمه: قاسم طلوع

نوع دموکراسی که ۱۶ ماه است Lemonde را در خود پیچیده است نیز لزوماً سالم و منطقی نیست. روزنامه نگاران خیلی راحت به دنسسال انتخاب کسی می‌روند که قول استمرار و دادن یک زندگی آرام را به آنها بدهد (درست مثل Observer). سردبیران خوب، می‌توانند عصبانی باشند: احتمالاً آندرونیل در Sunday Times دریک انتخابات کنار گذاشته می‌شود، اما نمی‌توان انکار کرد که او کار بسیار موفقی ارائه داده است.

نادرترین ترتیبات بین روزنامه‌ها در Sunday Telegraph یافت می‌شود، که علی‌رغم اینکه از نظر دموکراسی احتمالاً در پایینترین سطح در فلیت‌استریت قرار دارد، از نظر داشتن دوسردبیر منحصر به فرد است. سردبیر قانونی، ترورر گرو، با یک آشفستگی داخلی توسط سردبیر سابق، پرگینور استهورن، که هنوز هم به صورت معمولی در روزنامه باقی مانده، مواجه است.

● هیئت تحریریه Pravda نیز هفته گذشته خواستار اخراج سردبیر آن، ایوان فرولوف شدند و دلیل آن را جاه‌طلبی بیش از حد و خودبینی او ذکر کردند.

● هیئت تحریریه PRAVDA نیز هفته گذشته خواستار اخراج سردبیر آن، ایوان فرولوف شدند و دلیل آن را جاه‌طلبی بیش از حد و خودبینی او ذکر کردند.

کارکنان تمام‌وقت Observer شک دارند که ترلفورد مجدداً هم انتخاب شود، اما کسی دیگری را هم احتمال نمی‌دهند. آنها می‌ترسند که اگر آقای ترلفورد ناگهان استعفا دهد، صاحب امتیاز روزنامه تایتی‌رولند... کاندیدای مورد نظر خودش را تحمیل کند. در واقع، به استثنای سیمون جنکینز - امپراطور Times - تعداد خیلی کمی از سردبیران فلیت‌استریت توسط کارکنان تمام‌وقت انتخاب شده‌اند. حتی بعضی از آنها احتمالاً اگر روزنامه‌نگاران امکان نشان دادن احساسات را داشتند، بدنام هم می‌شدند.

صل انتخاب سردبیر روزنامه را در لستان نمی‌توان به خوبی دریافت. واقع در همان حال که ظهور دموکراسی اروپای شرقی، مسورد تحسین فلیت‌استریت<sup>(۱)</sup> قرار می‌گیرد، روند توسعه و گراتیک در مراکز روزنامه‌های انگلیس، جهت مخالف بوده است.

روزنامه Observer دارای بهترین شکل مستم انتخاباتی است. در سال ۱۹۷۵، وقتی سردبیر جدید، یعنی دونالد ترلفورد سرکار آمد، او هم بعد از مشورت هیئت‌آما با شت ریسه همین کار را کرد. بر طبق اساسنامه، هم هیئت‌آما وهم کارکنان تمام‌وقت ن وتوی کاندیداتورهای سردبیری را دارند. ی ترلفورد، یکی از شش کاندیدا که نهایتاً خاب شد، دو برابر کاندیدای بعد از خودش، ی آنتونی سمپسون، رأی آورد.

پانوشتها. Fleet Street (۱) خیابانی است در لندن که دفتر بسیاری از روزنامه‌ها در آن قرار دارد. م.